صدای مشاور

ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ سؤالات خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک:
۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن:
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیام رسان:
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
شهروندان گرامی با هدف پیگیری دقیق و سریع مسائل مطرح شده، لطفا آدرس و اطلاعات کاملی در اختیار ما قرار دهید.

راه و بیراه

خشم خونین

متین نیشابوری

اصلا فکر نمی‌کردم کار به جاهای باریک کشیده بشود. وقتی او را غرق در خون دیدم پا به فرار گذاشتم. دل توی دلم نبود. فکر می‌کردم جان داده است. به خودم می‌گفتم ای کاش از کوره در نمی‌رفتم و کمی خشمم را کنترل می‌کردم. فرار کردم و چون در مشهد کار می‌کنم به اینجا آمدم.

یک لحظه آرام و قرار نداشتم. هر چند دقیقه به دوستم زنگ می‌زدم و حال او را جویا می‌شدم. شب شد و انگار تمام غم‌های دنیا را روی سینه‌ام گذاشته بودند. سخت‌ترین دقایق و لحظات عمرم را سپری می‌کردم. خواب به چشمم نمی‌آمد و ثانیه‌ها هر کدامشان خودش یک ساعت می‌گذشت. تا غروب روز بعد خون دل می‌خوردم و تا چشم‌هایم را می‌بستم تصویر طناب دار در ذهنم نقش می‌بست.

دوستم زنگ زد و گفت او را به اتاق عمل برده‌اند. برای نجاتش دعا می‌خواندم و فقط گریه می‌کردم. قلبم می‌لرزید و چشم‌هایم سیاهی می‌رفت تا اینکه دوستم دوباره زنگ زد و گفت: «عمل جراحی موفقیت‌آمیز بوده و خوشبختانه جان سالم به در برده است.»

انگار دنیا را به من بخشیده بودند. بلافاصله برگشتم و خودم را به پلیس معرفی کردم. خوشبختانه خانواده پسر جوان معرفت به خرج دادند و از شکایتشان صرف‌نظر کردند اما همین مسئله و آسیب روحی که به من وارد شده بود باعث شد ازدواجم به تأخیر بیفتد.

آمدم و دوباره کارم را از نو شروع کردم. تنهایی و اضطرابی که دیده بودم باعث شد از نظر روحی و روانی دچار ضربه شدیدی بشوم. شب‌ها تاصبح بیدار بودم و هر کس مرا می‌دید به رنگ و روی زرد و زارم شک می‌کرد. خیلی‌ها از من می‌پرسیدند معتاد هستی؟ در صورتی که اهل دود و دم نبودم و نیستم.

با اینکه مدتی از مشکلاتی که به سرم آمده می‌گذرد اما حالم همچنان بد است. خیلی اتفاقی یکی از دوستان قدیمی‌ام را دیدم. گفتم حالم اصلا خوب نیست او مرا کمک و یاری کرد.

من چوب اشتباهاتم را خوردم. بی‌گدار به آب زدم و در انجام یک حرکت اقتصادی ضربه مالی شدیدی خوردم. این موضوع سبب شد حسابی به‌هم بریزم و پریشان شوم. روز حادثه برای دیدن خانواده‌ام رفته بودم که جوانی موتورسوار را در کوچه دیدم. با سرعت رانندگی می‌کرد. دختر خانم جوانی هم که در کوچه راه می‌رفت خیلی ترسیده بود. ناخودآگاه از شنیدن صدای ناهنجار موتورسیکلت و ویراژ دادن پسر جوان عصبی شدم و با صدایی بلند به او بد و بیراه گفتم.

او هم که نمی‌خواست کم بیاورد، جلویم پیچید و دست به یقه شدیم. من همیشه چاقوی کوچکی همراه داشتم. نمی‌دانم با کدام عقل دست به چاقو بردم و ضربه‌ای به او زدم. بعد از دیدن بدن غرق در خون پسر جوان فرار کردم.

هنوز هم معتقدم که بخت با من یار بوده است. اگر چاقو چند سانت آن طرف‌تر خورده بود الان من هم نمی‌توانستم آزادانه در شهر راه بروم. به قول مشاور پلیس آدم در هر شرایط و موقعیتی باید مراقب خودش و اعصاب و روانش باشد. یک لحظه خشم و غرور می‌تواند سرنوشت و آینده ما را تباه کند. برای هر مشکلی راه‌حل عقلانی و قانونی وجود دارد. آن روز به جای اینکه با آن جوان درگیر شوم می‌توانستم موضوع را به پلیس گزارش کنم.

برادرکشی در نیمه‌شب

جوان ۲۱ساله با ضربات چاقو، برادر ۲۶ساله‌اش را از پا درآورد

محمد جواد ابوعطا

مهدی پنج‌ساله بود که محمد به دنیا آمد. اما نوزاد جدید هم نتوانست ذره‌ای از مشکلات خانواده را کم کند. مشکلات همچون کلافی سردرگم بود و هر روز پیچیده‌تر می‌شد. محمد و مهدی هنوز آن‌قدر قد نکشیده بودند که مادر برای همیشه پی سرنوشتش رفت، یا به عبارتی جانش را برداشت و از آن خانه دربُرد. مادر که رفت، زندگی را هم با خود برد. این را می‌شود از خانه شلوغ و به‌هم ریخته‌ای فهمید، که طی سال‌های طولانی کاملا مردانه اداره شده است. خانه‌ای که به جای زندگی، عده‌ای سال‌ها در آن فقط زنده بوده‌اند.

هر چند با ماجرای جدید راه یافته به صحن علنی این منزل در یک عصیان شبانه، حالا باید برای زندگی ساکنانش از افعال ماضی استفاده کرد و نوشت، روزی ۲برادر در این منزل زندگی می‌کردند.

دعواهای تکراری، هیاهوی بی‌ثمر، زد و خورد همیشگی، قهر و آشتی‌های زودگذر. این‌ها مشخصات و حالات ۲برادر است از زبان همسایه‌ها و آشنایان. آن‌ها گوششان به دعوای برادرها عادت کرده بود، تا جایی که هیاهوی نیمه شب و خاموشی دوباره آن، هیچ شکی به ذهن شنوندگان نینداخت و یک بار دیگر مرزهای خیال و واقعیت در داستان چوپان دروغگو جابه‌جا شد.

همسایه‌ها می‌گفتند، صدایشان را حدود ساعت ۱۲شب شنیده‌اند. مثل همیشه پس از گذشت دقایقی صدا فروکش کرده بود و آن‌ها به حساب پایان دعوا گذاشته بودند. اما ساعت ۲صبح صدای خش‌خش کشیده شدن چیزی روی زمین به گوش همسایه طبقه بالا می‌رسد. این خش‌خش دیگر مشکوک بود و برای همین یکی از افراد طبقه بالایی را به پشت پنجره می‌کشاند.

آنچه در قاب پنجره نمایان بود، در جا میخکوبش می‌کند. اول می‌گوید شاید خواب می‌بینم، اما نسیم خنک سحرگاهی بیداری‌اش را تضمین می‌کند. بعد فکر می‌کند که شاید اشتباه می‌بیند، اما رد خون روی زمین خیلی واضح بود. او با دستانی لرزان گوشی تلفن را برداشته و شماره ۱۱۰را می‌گیرد و اعلام می‌کند: «یکی دارد، یک جسد خونی را روی زمین می‌کشد.»

برادرکشی در نیمه شب

مأموران کلانتری طبرسی شمالی در بخشی از گزارش اولیه‌شان چنین نوشته بودند: «پسری جوان پس از درگیری با برادرش، به علت عصبانیت با چاقو چندضربه به برادرش می‌زند. دو ساعت بعد که حال مصدوم وخیم می‌شود، او در حال کشیدن پیکر نیمه جان برادرش به کوچه بوده که یکی از همسایه‌ها او را می‌بیند و به پلیس زنگ می‌زند. با حضور در محل و کشف پیکر فردی غرق در خون، این فرد از سوی اورژانس به بیمارستان منتقل شد و برادرش که در حال کشیدن پیکر خونین روی زمین بود نیز دستگیر می‌شد.» ساعتی بعد منابع بیمارستانی از مرگ مصدوم خبر دادند.»

قاضی علی‌اکبر احمدی‌نژاد، بازپرس جنایی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲مشهد که گزارش پلیس را خواند، برای بررسی موضوع به همراه تیم جنایی پلیس آگاهی راهی بولوارطبرسی شمالی شد.

حضور در منزل تب‌زده

مقام قضایی و کارآگاهان در منزلی حاضر شدند که همچون بیمار در حال احتضاری بود که تب کرده باشد. کثیفی و هرج و مرج از سر و روی خانه می‌بارید. مشخص بود که سال‌ها در این منزل هیچ زنی پا نگذاشته است. تحقیقات از همسایه‌ها گواهی بر مشاهدات قاضی احمدی‌نژاد بود.

همسایه‌ها اعلام کردند که در این منزل یک پدر و ۲پسرش به نام‌های محمد بیست‌ویک ساله و مهدی بیست‌وشش ساله زندگی می‌کنند. اما چیز زیادی از زمان وقوع حادثه نمی‌دانستند، چرا که دعوا مهمان همیشگی این خانواده سه نفره بوده است.مقام قضایی به سراغ فردی رفت که موضوع را اعلام کرده بود. او خود را خویشاوند این خانواده معرفی کرد که طبقه بالای خانه آن‌ها زندگی می‌کند. او با تأیید صحبت همسایه‌ها از شنیدن صدای دعوای ۲برادر در نیمه‌شب خبر داد و آنچه دیده بود را دوباره تعریف کرد، البته اضافه کرد که محمد پاهای برادرش را گرفته بود و پیکر غرق به خون او را توی حیاط به سمت بیرون می‌کشید.

بررسی‌های بیشتر برای یافتن آلت‌قتاله و دیگر سرنخ‌های موجود در صحنه جرم نیز انجام شد.

عصبانی بودم

گام دوم بازجویی از متهم بود که افسران کلانتری و بعد هم کارآگاهان پلیس آگاهی آن را ثبت کردند.

طبق آنچه محمد بیست‌ویک ساله در هنگام تشکیل پرونده و بازپرسی، به قاضی احمدی‌نژاد گفت، او و برادرش از گذشته با هم درگیر بوده و اختلافاتی داشته‌اند اما ریشه این اختلاف قدیمی را به یاد نداشت.

او اعلام کرد که آن شب هم مثل خیلی از شب‌های دیگر، دوباره با برادرم دچار درگیری‌های لفظی شدیم. دعوایمان سر خرج کرد منزل بود که چرا او کمتر پرداخت می‌کرد و من بیشتر خرج منزل را می‌دادم. اما او جواب سربالا به من داد و حاضر نبود بپذیرد که او هم سهمی در این زندگی دارد. جدال لفظی ما کمی بعد رنگ خشونت به خود گرفت و او چند ضربه به من زد و من هم برای اینکه کم نیاورم چاقویی برداشتم و به سمتش حمله کردم. عصبانی بودم و با چاقو چند ضربه به او زدم که روی زمین افتاد. او در خود می‌پیچید ولی من که هنوز عصبانی بودم او را به حال خودش رها کردم. با خودم گفتم که چیزی نیست خوب می‌شود. ۲ساعت گذشت و حدود ۲صبح بود که دیدم حالش خیلی بد است. می‌خواستم بلندش کنم که از جایش تکان نمی‌خورد. نتوانستم بغل بگیرمش برای اینکه او را به کوچه برسانم و از دیگران کمک بگیرم او را تا توی کوچه، روی زمین کشاندم. نمی‌خواستم برادرم را بکشم.

متهم راهی زندان شد

به گفته قاضی احمدی‌نژاد، این اولین پرونده قتل در اثر عصبانیت نیست که در مشهد گشوده می‌شود و مطمئنا آخرین پرونده نیز نخواهد بود. این پرونده از چند جهت قابل بررسی و تحلیل کارشناسی است، یکی آسیب‌های طلاق که می‌تواند در بلندمدت خانواده‌ها را با مشکل رو به‌رو کند. دیگری بی‌توجهی بزرگ‌ترها در انتقال مهارت‌های زندگی به جوانان.

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در این پرونده ظهور و بروز داشته، بی‌توجهی به مشکلات و اختلاف‌های قدیمی است که در بسیاری از خانواده‌ها وجود دارد و کهنه شده است و معمولا با رسیدن به یک مشکل کوچک همچون یک دمل چرکین سرگشوده و به وقوع اتفاقات بدتری منجر می‌شود.

بازپرس جنایی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲مشهد در ادامه از صدور دستور موقت و انتقال متهم به زندان خبر داد و نتیجه اولیه پرونده را موکول به رسیدن جواب پزشکی قانونی و تحقیقات بر روی دیگر عوامل دخیل در این نزاع خونین دانست.

خبر روز

نجات ۳نفر از مرگ

سیرجانی| آرام نودهی کودک هشت‌ساله بجنوردی که طی یک حادثه دچار مرگ مغزی شده و در بیمارستان امام حسن مجتبی(ع) بجنورد بستری بود پس از انجام مراحل اولیه تأیید مرگ مغزی به واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد معرفی و با رضایت خانواده‌اش به بیمارستان منتصریه منتقل شد و تحت عمل جراحی اهدای عضو قرار گرفت.

در این عمل جراحی کلیه‌های زنده‌یاد آرام نودهی به کودک یازده‌ساله و دختر هجده‌ساله ساکن مشهد که سال‌ها از نارسایی کلیه رنج می‌بردند و با دیالیز تحت درمان بودند به صورت رایگان اهدا و پیوند شد.کبد مرحوم نودهی به مردی شصت‌وپنج ساله ساکن مشهد پیوند شد.

جمع‌آوری ۲۰۲ مرد افیونی

روز گذشته مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر خراسان رضوی مرحله دیگری از طرح ارتقای امنیت محله محور را در چند منطقه از حاشیه شهر مشهد به اجرا گذاشتند.

در این عملیات که در راستای پاک‌سازی مناطق آلوده به موادمخدر انجام شد مأموران موفق به جمع‌آوری ۱۶۰معتاد متجاهر و دستگیری ۴۲خرده‌فروش مواد افیونی در مشهد شدند.در ادامه این عملیات ضابطان قضایی در بازرسی از ۳۴ خانه مسکونی که به محل توزیع موادمخدر تبدیل شده بود مقدار ۵کیلو و ۴۵۰ گرم انواع مواد افیونی را کشف و ضبط کردند.

به گفته سرهنگ صفدری، رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر خراسان رضوی مصرف‌کنندگان موادمخدر جمع‌آوری شده طی هماهنگی قضایی به کمپ‌های ترک اعتیاد اجباری منتقل شده و تحت درمان قرار گرفتند.

کوتاه‌تر از حادثه

تصادف دریایی در اروند

ایرنا: یک کشتی باری که از بندر خرمشهر به سمت کویت در حرکت بود پس از انحراف از مسیر اصلی در آبراه اروند رود با یک یدککش برخورد کرد و دچار آب‌گرفتگی شد. با تلاش مأموران اداره دریانوردی خرمشهر جلوی غرق‌شدگی این شناور باری گرفته شد و کشتی در نزدیک‌ترین اسکله پهلو گرفت. این حادثه خسارت جانی در پی نداشت.

انفجار اتوبوس توریستی

رکنا: اتوبوس مسافربری توریستی در مصر منفجر شد که در اثر این حادثه ۱۲خارجی زخمی شدند. گفتنی است علت این حادثه هنوز مشخص نیست و پلیس در حال پیگیری علت آن است.

قاچاق ۲۰۰قطعه از تاریخ ایران

میزان: مأموران انتظامی آذربایجان شرقی در اقدامی اطلاعاتی و ضربتی طی بازرسی از خانه‌ای مسکونی در شهرستان آذرشهر ۲۰۰قطعه عتیقه تاریخی مربوط به دوره ماقبل اسلام را کشف کردند. پلیس در این عملیات یک نفر که قصد خارج کردن این عتیقه‌جات را داشت دستگیر کرد.

۲۰کشته در ۱۳روز

تسنیم: مجتبی خالدی، سخن‌گوی سازمان اورژانس کشور اعلام کرد که در پی بارش‌های اخیر و وقوع سیل و صاعقه طی ۱۳روز گذشته در استان‌های خراسان رضوی، اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی، زنجان، خراسان جنوبی، چهارمحال بختیاری، اصفهان، کرمانشاه، کردستان، فارس، خوزستان، کرمان، لرستان، مرکزی، کهگیلویه و بویراحمد و گیلان ۲۰نفر جان خود را از دست دادند و ۳۷نفر دیگر نیز مصدوم شدند.

کشف ۱۵۰۰ کیلو گوشت فاسد

باشگاه خبرنگاران: مأموران کلانتری ۱۱۱ هفت‌چنار تهران در پایش‌های اطلاعاتی و تحقیقات میدانی خود موفق به کشف ۱۵۰۰کیلو گوشت فاسد از پارکینگ یک خانه مسکونی شدند. گوشت‌های فاسد کشف شده شامل قلوه و زبان گوسفند است که از سوی یک مادر و پسر در مراکز غذاخوری و ساندویچ‌فروشی‌های سیار توزیع می‌شد. متهمان پس از تشکیل پرونده به دادسرا معرفی شدند.

سردار سید کمال هادیانفر، رئیس پلیس راهور نیروی انتظامی: **روزانه ۴۶نفر در تصادفات درون و برون شهری کشور جان خود را از دست می‌دهند که ۷نفر از این تعداد کودک هستند.**